

## بازگای داستان‌های سیاوش و یوسف(ع) بر اساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمبل

غلامرضا شمس‌ی \* Shamsi\_gholamreza@yahoo.com

دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، ایران

فریبا ایازی روزبهانی \* ayazifariba@yahoo.com

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، ایران

### واژگان کلیدی

\* جوزف کمبل

\* سیاوش

\* قهرمان

\* کهن‌الگو

\* یوسف (ع)

### چکیده:

جوزف کمبل یکی از اندیشمندان پسایونگی است که معنای غایی اسطوره را جست‌وجوی انسان برای رسیدن به نیرویی واحد، پایه‌ای و ناشناخته می‌داند که همه چیز از او می‌آید، همه چیز درون اوست و همه چیز به او بازمی‌گردد. این نظریه کمبل «اسطوره یگانه یا واحد» نام دارد. کمبل آشکارا متأثر از آرای پراپ و یونگ است و بر اساس شباهت‌های ساختاری اسطوره‌ها و قصه‌های کهن، الگویی یکسان برای تحلیل تمامی داستان‌ها مطرح می‌نماید. در این الگوی تحلیلی، سیر تحول قهرمان در سه مرحله اصلی پدیدار می‌گردد؛ که هر یک از آنان نیز دارای مراحل فرعی هستند: عزیمت، تشرّف، بازگشت. بازگای داستان‌های سیاوش و یوسف (ع) با الگوی تحلیلی کمبل و روش تطبیقی نشان می‌دهد که: در هر دو داستان سفر معنوی قهرمان برای ادراک حقایقی فراکیهانی در پیکره رخدادها و شخصیت‌های نمادین متبلور شده است. هر دو قهرمان با وجود تفاوت در ظاهر شخصیت‌ها و مکان‌ها از شباهت‌های فراوان در ژرف‌ساخت سفر خویش برخوردارند. ساخت و بافت اسطوره‌ای و حماسی داستان سیاوش و پیکرگردانی به صورت فرود و کیخسرو رمز و راز بیشتری به این داستان داده است اما داستان سفر یوسف (ع) با کارکرد یک متن غنایی و تعلیمی دینی سازگارتر است.